

## بازتاب ویژگی‌های فرهنگی و اقلیمی در شعر بومی گروس

یدالله محمدی<sup>۱</sup>

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۵ مهر ۱۳۹۹؛ تاریخ پذیرش: ۲۵ بهمن ۱۳۹۹؛ صص. ۴۹-۶۷

DOI: <https://www.doi.org/10.34785/J013.2020.512>

### چکیده

اگرچه در مناطق گوناگون تلاش‌هایی برای تدوین تاریخ ادبیات کردی صورت گرفته است، اما عده‌ای از مورخان کرد به ادبیات کردی به تمامی پرداخته‌اند و عده‌ای دیگر به ادبیات محلّ زندگی خود. نویسندۀ کتاب سیمای بیچار گروس و مشاهیر آن را می‌توان در گروه دوم جای داد. از آنجا که آثار شاعرانی که در مقاله حاضر مورد بررسی قرار گرفته‌اند - به جز چهار نفر - تا زمان نگارش مقاله حاضر منتشر نشده است، اثر مذکور، تألیف محمدعلی کوشا، به عنوان منبع اصلی این پژوهش انتخاب شده است. این مقاله به خوانش ویژگی‌های زبانی، فرهنگی، باورهای مذهبی، پوشش و محیط بومی در آثار شاعران منطقه گروس می‌پردازد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها به شیوۀ کتابخانه‌ای و سندکاوی جمع‌آوری شده و با استفاده از روش تحلیل محتوا بررسی شده‌اند. نتیجه این پژوهش بیانگر متعهد نبودن شاعران آن دیار نسبت به مسائل اجتماعی است.

### پوخته

نه‌گه‌چی له ناوچه جیاجیاکاندا چه‌ندین هه‌ولّ دراوه بۆ نووسینه‌وه‌ی میژووی ئه‌ده‌بی کوردی، به‌لام ده‌سته‌یه‌ک له میژوونوسانی کورد، نووسینه‌وه‌ی میژووی ئه‌ده‌بی کوردیان، به تیکرایی، له ئه‌ستۆ گرتووه و ده‌سته‌یه‌کی دیکه‌ته‌نیا په‌رژاونه‌ته‌سه‌ر میژووی ئه‌ده‌بی ناوچه‌ی خۆیان. ئه‌توانین نووسه‌ری کتیبی وینه‌ی بیچار گه‌پروس و ناوداره‌کانی له ریزی ده‌سته‌ی دووه‌مدا دابننن. به هۆی ئه‌وه‌ی به‌ره‌می ئه‌و شاعیرانه‌ی که له‌م لیکۆلینه‌وه‌دا ره‌چاو کراون - بیجگه‌ له چوار که‌سیان - تا کاتی نووسینی ئه‌م وتاره‌ بلاو نه‌بوونه‌ته‌وه، کتیبی ناویراو، نووسینی محمه‌ده‌لی کوشا، وه‌ک سه‌رچاوه‌ی سه‌ره‌کیی ئه‌م لیکۆلینه‌وه‌یه له‌به‌رچاو گیراوه. ئه‌م وتاره‌ی به‌رده‌ست ده‌په‌رژیتته‌سه‌ر خۆبندنه‌وه‌ی تایبه‌تمه‌ندیگه‌لی زمانی، فره‌ه‌نگی، باوه‌ری ئایینی، جل‌وبه‌رگ و سروشتی گه‌پروس له‌هه‌لبه‌ستی شاعیرانی ئه‌و ناوچه‌یه‌دا. میتۆدی لیکۆلینه‌وه‌که‌ وه‌سفی-شیکارانه و داتا‌کان به‌شێوه‌ی په‌رتوو‌کخانه‌یی و پشکینینی به‌لگه، کۆ کراونه‌ته‌وه و به‌به‌کاره‌ینانی ریبازی شیکاری ناوه‌رۆک توێژینه‌وه‌یان له‌سه‌ر کراوه. ئه‌نجامی ئه‌م لیکۆلینه‌وه‌ پیشان ئه‌دات هه‌لبه‌ستوانانی ئه‌و ناوچه‌یه‌ گرنگیی ئه‌وتۆ به‌پرسه‌ کۆمه‌لایه‌تیبه‌کان ناده‌ن.

**وشه‌گه‌لی سه‌ره‌کی:** زمانی کوردی؛ ئه‌ده‌بی خۆمالی؛ گه‌پروس؛ فره‌ه‌نگ؛ سروشت.

**واژگان کلیدی:** زبان کردی؛ ادبیات بومی؛ گروس؛ فرهنگ؛ محیط بومی.

### ۱- مقدمه

از قدیم‌الایام شاعران و نویسندگان به مصداق حدیث نبوی «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ» (فروزانفر، ۱۳۹۰: ۳۲۳ و ۳۸۷ - ۳۸۸)، در آثارشان به زادگاه خویشان توجه داشته‌اند و هر از گاهی به توصیف گوشه‌ای از آن پرداخته‌اند. «ولین کسی که تأثیر جغرافیا را بررسی کرد، ابن خلدون بود. ابن خلدون در «مقدمه»، درباره‌ی مناطق مختلف جغرافیایی گرم و معتدل و سرد کوهستانی و تأثیر آن‌ها در اخلاقیات، دین، تعصبات و انسان‌ها و حتی زبان و ادبیاتی که آن زبان در آن منطقه پدید می‌آورد، بحث می‌نماید» (ابومحبوب، ۱۳۸۸: ۱۵). در ایران نیز نخستین بار محمدعلی سپانلو از تأثیر اقلیم و جغرافیای محیطی بر ادبیات داستانی سخن گفته و برای انتخاب نام مکتب

داستان‌نویسی از نام محلّ جغرافیایی بهره گرفته‌است: «دو مجموعه لالی از بهرام حیدری و نان و گل از نسیم خاکسار، احتمالاً بهترین دستاوردهای قصه‌های کوتاه ما در یکساله انقلابند. اینان به مکتبی در داستان‌نویسی ایران متعلق هستند که کم‌کم می‌توان به آن اسمی داد: مکتب خوزستان» (سپانلو، ۱۳۵۸: ۲۴۰). قهرمان شیری در مقاله «پیش‌درآمدی بر مکتب‌های داستان‌نویسی در ادبیات معاصر ایران» به طور مفصل به این موضوع پرداخته‌است. در این مقاله آمده‌است:

«همواره در تکوین سبک یک نویسنده، علاوه بر انگاره‌ها و انگیزش‌های فردی و درونی، شمار زیادی از محرک‌های مرتبط با محیط اجتماعی و محیط جغرافیایی اثرگذار بوده‌است [...] اگر استخوان‌بندی یک اثر ادبی از چهار ستون سوژه‌گزینی، ساخت زبان، جهان‌نگری و پرداخت هنری تشکیل شده‌باشد، عمده‌ترین موادّ اولیه این شالوده، از طریق مجموعه‌ای از عوامل دیگر حاصل می‌شود که همگی به خاستگاه اقلیمی نویسنده مربوط می‌شوند ... کثرت این مشترکات می‌تواند سبک یک اقلیم را ... از اقلیم دیگر متمایز کند» (۱۳۸۲: ۱۴۷-۱۴۸).

شیری با اتکا به تأثیر مستقیم عوامل متعدّد محیطی، سبک‌های شاخص در ادبیات داستانی ایران را از دوره مصدق تا دو دهه پس از انقلاب، به هفت سبک یا مکتب تقسیم کرده‌است: آذربایجان، اصفهان، خراسان، جنوب، شمال، غرب و مرکز (ر.ک. همان). او پنج سال پس از انتشار مقاله یادشده، کتاب مکتب‌های داستان‌نویسی در ایران را منتشر کرده‌است.

پژوهش حاضر از هفت بخش تشکیل شده‌است. بخش اول مقدمه، بخش دوم بیان مسئله و بخش سوم پیشینه پژوهش است. بخش چهارم درباره جغرافیای منطقه گروس (طبیعی و انسانی) بحث می‌کند. بخش پنجم به معرفی شاعران گروس می‌پردازد و بخش ششم به تحلیل و بررسی بازتاب مسائلی چون زبان کردی، محیط بومی، فرهنگ و باورهای مذهبی و پوشش‌ها در آثار شاعران گروسی اختصاص دارد. در بخش نتیجه‌گیری اهم دستاورد پژوهش ارائه می‌شود.

## ۲- بیان مسئله

ادبیات بومی نوعی از ادبیات است که «در منطقه‌ای خاص به وجود آمده و دارای شرایطی چون وحدت اوضاع جغرافیایی، مشابهت وضع زراعی و معیشتی، وحدت گویش محلی، تشابه آیین و مراسم، اعیاد ملی و مذهبی، تشابه در مناسبات اقتصادی، نحوه سپری کردن اوقات فراغت، وحدت زبان و تاریخ و ... باشد» (بهرام محمدیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۴). ادبیات بومی در معنای خاص:

«در داستان‌نویسی معاصر ایران، با رمان روز سیاه کارگر (۱۳۰۵) از احمد خداداده‌ی کردِ دینوری یا تیموری رقم می‌خورد. [...] بحث بررسی و نقد ادبیات اقلیمی و تقسیم‌بندی آن‌ها پیشینه طولانی ندارد. [...] حسن میرعابدینی نیز جزو منتقدینی است که در کتاب صد سال داستان‌نویسی ایران، بدون نامگذاری سبکی یا مکتب مشخصی، بخشی را با عنوان «ادبیات روستایی و اقلیمی» به نویسندگان بومی اختصاص داده‌اند. یعقوب آژند در مقاله «وضع ادبیات داستانی در قبل و بعد از انقلاب» (۱۳۶۹) [...] به بررسی رمان‌های اقلیمی پرداخته‌اند. بررسی ویژگی‌های رمان‌های اقلیمی از جهت داشتن یک محیط بومی، فرهنگ و معتقدات مردمی و آداب و رسوم، پوشش‌ها و زبان محلی می‌تواند خواننده را به گفتمان مطرح دوره نزدیک سازد و سبک‌های بومی را بهتر بشناسد؛ چراکه جغرافیا سبک می‌آفریند» (همان).

بر اساس آنچه در مورد ادبیات اقلیمی یا بومی مطرح شد سابقه این نوع ادبیات به دهه چهل برمی‌گردد و بیشتر به ادبیات داستانی معاصر توجه دارد. ولی نویسنده پژوهش حاضر، با توسع معنی این اصطلاح، از آن برای بررسی بازتاب زبان محلی، پوشش‌ها، محیط بومی، فرهنگ و معتقدات مردمی و آداب و رسوم در آثار شاعران منطقه گروس از دوره قاجار تاکنون، بهره گرفته‌است. فرهنگ هر جامعه از دیگر عوامل تأثیرگذار بر ادبیات آن جامعه محسوب می‌شود. فرهنگ، معانی متعددی دارد. در این پژوهش، منظور از فرهنگ «مجموعه آداب و رسوم» است. بنابراین در پژوهش حاضر، این جنبه از ادبیات بومی گروس نیز مورد توجه واقع شده‌است.

### ۳- پیشینه پژوهش

بررسی‌ها و جستجوهای نگارنده برای دستیابی به نسخه چاپی یا الکترونیک آثار این شاعران در سایت‌های مختلف و کتابخانه‌های مجازی تلگرامی نتیجه‌ای دربرداشت و بیانگر نبود پیشینه پژوهش در این موضوع بود؛ زیرا آثار شاعرانی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند - به جز چهار نفر - تا زمان نگارش مقاله حاضر هنوز منتشر نشده‌است. پژوهش حاضر از این رو تازگی دارد که به خوانش آثار تعدادی از شاعران بخشی از کردستان می‌پردازد که حتی از سوی مورخان محلی کرد نیز کمترین توجه بدان صورت گرفته‌است. به عنوان نمونه، در تاریخ مشاهیر کرد تنها شرح حالی جزئی از یک نفر از این شاعران (زیور گروسی) آمده‌است. منبع مورد استفاده، کتاب سیمای بیچار گروس و مشاهیر آن (۱۳۷۸) تألیف محمدعلی کوشا از انتشارات دانشگاه کردستان به این دلیل انتخاب شده است که جامع‌ترین منبع در این زمینه می‌باشد. بخش سوم از کتاب یادشده «مشاهیر گروس» نام دارد و دارای هشت زیربخش است. این مقاله براساس مندرجات زیربخش: «شاعران مشهور گروس» تدوین شده‌است. در کتاب یادشده ۶۵۴ بیت شعر کلاسیک و هفت قطعه شعر نو از سیزده شاعر گروس آمده‌است که جامعه آماری مقاله حاضر را تشکیل می‌دهند. این اشعار تماماً مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و ویژگی‌های فرهنگی و اقلیمی آن‌ها بررسی و تحلیل شده‌است.

### ۴- جغرافیای گروس

جغرافیا علم روابط متقابل انسان و طبیعت، و دانشی است که مکان‌ها و همچنین پراکندگی پدیده‌ها را مطالعه و بررسی می‌کند و هدف آن راهنمایی انسان و کمک به او در زندگی است (شایان و همکاران، ۱۳۸۱: ۶). مؤلف تاریخ مشاهیر کرد درباره موقعیت جغرافیایی گروس می‌نویسد: «گروس (گه‌رووس) شهرستانی است واقع در میان شهرستان‌های سنندج، همدان و قزوین و مرکز آن شهر بیچار است» (مردوخ روحانی، ۱۳۹۰ ج ۳: ۴۳۵). دانش جغرافیا به دو شاخه اصلی جغرافیای انسانی و جغرافیای طبیعی تقسیم شده‌است. در ادامه نگاهی گذرا به جغرافیای طبیعی و انسانی منطقه گروس می‌اندازیم.

#### ۱-۴ جغرافیای طبیعی گروس

جغرافیای طبیعی به تجزیه و تحلیل و سنجش پراکندگی اشکال زمین، آب و هوا، خاک‌ها، گیاهان، حیوانات و سایر پدیده‌های طبیعی می‌پردازد. از دیدگاه جغرافیای طبیعی، منطقه گروس در شرق کردستان واقع است و به گفته‌ی کوشا:

«سرزمینی است از مناطق کردنشین غرب ایران به مساحت ۷۷۳۰ کیلومتر مربع که در بین سه شهر زنجان، همدان و سنندج به فاصله‌های تقریباً مساوی ۱۵۰ کیلومتر واقع شده‌است [...] گروس برگرفته از نام گروس بن سام بن نوح سامانی است که در گذشته‌های دور، از حاکمان این منطقه بوده. شهرستان بیچار منطقه‌ای است کوهستانی، دارای زمستانی سرد و طولانی و تابستان آن کوتاه و معتدل» (۱۳۷۸: ۳۹ - ۴۳).

## ۴-۲- جغرافیای انسانی گروس

جغرافیای انسانی رابطه متقابل انسان و عوامل جغرافیایی را بررسی می‌کند. به عبارت دیگر، به مطالعه و بررسی تاثیرات محیط بر جامعه انسانی و انسان و همچنین تاثیرات انسان به کمک مهارت خود بر محیط زندگی می‌پردازد. از دیدگاه جغرافیای انسانی، گروس از گذشته‌های دور محل زندگی و سکونت آدمیان بوده‌است و قدمت تاریخی آن به هزاره سوم پیش از میلاد می‌رسد. سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۷۵ ه. ش. نشان می‌دهد جمعیت شهری این منطقه طی ۳۰ سال بیش از چهار برابر شده‌است، ولی جمعیت روستایی در همین فاصله، حدود ۲۲ درصد کاهش یافته‌است (ر.ک. همان: ۴۶). بررسی جغرافیای انسانی گروس نشان می‌دهد:

«زبان گفتگوی مردم منطقه گروس، کردی گروسی است، فقط بخش کرانی (حسن‌آباد و روستاهای اطراف آن) معمولاً به زبان ترکی تکلم می‌کنند. در منطقه نفوذ زبان کردی هم دو لهجه جداگانه تشخیص داده می‌شود: اول لهجه گروسی که لهجه غالب ساکنان گروس را تشکیل می‌دهد؛ دوم لهجه سورانی (= گورانی<sup>۱</sup>) که روستاهای غربی و شمال غربی منطقه بیجار را شامل می‌شود ... نوع کردی لهجه گروسی، سخت تحت تأثیر زبان فارسی قرار گرفته و تقریباً بیست درصد لغات آن فارسی است، از این نظر ساده‌ترین نوع زبان کردی به حساب می‌آید و چون تلفظ بعضی از حروفش قابل کتابت نیست و حرفی معادل آن وضع نشده‌است و صرفاً بر گویش محلی متکی است، نفوذ ادبی چندانی پیدا نکرده و احیاناً در مقام نگارش این نوع کردی، از لهجه کرمانشاهی استفاده می‌کنند» (کوشا، ۱۳۷۸: ۷۲ - ۷۵).

کوشا تعداد روستاهای دارای سکنه را از روستاهای خالی از سکنه تفکیک نکرده‌است؛ ولی کتاب *جغرافیای استان کردستان* نشان می‌دهد که براساس آخرین تقسیمات کشوری سال ۱۳۷۵، تعداد آبادی‌های دارای سکنه شهرستان بیجار ۲۵۵ روستا بوده‌است (ر.ک. ایرانی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۲). اگر این تعداد را از کل روستاها (۲۸۳ روستا) کم کنیم، درمی‌یابیم ۲۸ روستای منطقه از سکنه خالی شده‌است.

## ۵- معرفی شاعران گروس

محمدعلی کوشا در زیربخش «شاعران مشهور گروس»، گزیده آثار سیزده شاعر را آورده‌است. صفت «مشهور» در عنوان این زیربخش، بیانگر آن است که تعداد شاعران منطقه گروس بیش از سیزده نفر است؛ ولی این سیزده شاعر، مشهورترین شاعران این منطقه هستند. برای تأیید این ادعا می‌توان از نه شاعر دیگر یاد کرد که کوشا فقط به اسامی آن‌ها اشاره کرده‌است (ر.ک. کوشا، ۱۳۷۸: ۳۵۷). بنابراین پژوهش حاضر به خوانش بازتاب فرهنگ و صبغه اقلیمی در گزیده آثار این سیزده شاعر منطقه گروس می‌پردازد. در جدول زیر، قالب‌های شعری و تعداد ابیاتی که در این پژوهش بررسی شده، به تفکیک هر شاعر، نشان داده شده‌است.

<sup>۱</sup>. گورانی و سورانی دو گویش زبان کردی هستند؛ ولی کوشا آن‌ها را یکی دانسته‌است.

جدول شماره (۱): قالب شعری و تعداد ابیات به تفکیک شاعران منطقه گروس

ردیف	شاعر	نثر	غزل	مسمط	مثنوی	ساقی‌نامه	قصیده	رباعی	قطعه	چهار بند	شعر نو	تعداد ابیات
۱	زیور گروسی	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	۳
۲	افسر گروسی	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	۷
۳	علی بلوری	-	-	۴	۱	۱	-	-	-	-	-	۱۱۵/۵
۴	جواد خان	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	۱۶ (کردی)
۵	نجف خان	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	۲۳ (کردی)
۶	ثانوی	-	۱۰	-	-	-	۱	۵	-	-	-	۱۳۲
۷	محمد رستم‌پور	-	۱۰	-	-	-	-	-	۱	-	-	۸۵
۸	شیخ علی‌اکبر کوماسیان	-	۱۵	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۱۴
۹	رضاعلی چراغ‌علی‌پور	-	۱	-	-	-	-	-	-	۱	۵	۵۳
۱۰	قیدار خان	-	۴	-	-	-	-	-	-	-	-	۳۳
۱۱	نصرت‌الله بخشیان	-	۲	-	-	-	-	۱	-	-	-	۲۰
۱۲	علی‌اصغر فریدونی	-	۲	۱	-	-	-	-	-	-	-	۳۵/۵
۱۳	بهمن قره‌داغی	-	۳	-	-	-	-	-	-	-	۲	۱۷
	جمع	۱	۴۹	۵	۳	۱	۱	۶	۱	۱	۷	۶۵۴

۱- بررسی فرم و ساختار این آثار نشان می‌دهد که رایج‌ترین قالب شعری در میان شاعران دیار گروس با ۴۹ بار بسامد، غزل است. این قالب از لحاظ بسامد، به‌تنهایی دوسوم کل اشعار منبع پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. پس از غزل، «شعر نو» (هفت قطعه) بیشترین توجه شاعران را به خود معطوف ساخته‌است. قالب رباعی (شش مورد) سومین قالب مورد توجه است و مسمط مخمس تضمینی (پنج مورد) نیز چهارمین قالب شعری مورد توجه محسوب می‌شود.

۲- بدون احتساب شعر نو، جمعاً ۶۷ قطعه شعر در قالب‌های مختلف و به تعداد ۶۵۴ بیت از شاعران گروسی، در منبع یادشده نقل شده‌است.

۳- توجه به کمیّت اشعاری که از هر شاعر نقل شده نشان می‌دهد تعداد ابیات از ۳ تا ۱۳۲ بیت در نوسان است. بیشترین ابیات از محمدشریف ثانوی، علی بلوری و شیخ علی‌اکبر کوماسیان نقل شده‌است که به ترتیب ۱۳۲، ۱۱۵/۵ و ۱۱۴ بیت است؛ اما کمترین ابیات از بانو زیور گروسی، افسر گروسی و جوادخان گروسی به ترتیب ۳، ۷ و ۱۶ بیت است. به نظر می‌رسد این اختلاف چشمگیر، بیشتر به کمیّت اشعار این شاعران بستگی دارد. به عنوان نمونه از زیور گروسی تنها سه بیت و از افسر گروسی یک غزل ۷ بیتی باقی مانده‌است.

۴- بررسی محتوای اشعار بیانگر آن است که شاعران منطقه گروس دغدغه اجتماعی چندانی نداشته‌اند؛ زیرا قالب غزل برای بیان عواطف و احساسات انسانی به کار می‌رود و به مسائل اجتماعی نمی‌پردازد. البته «در عصر مشروطه با توجه به دگرگونی‌ها و تحولات سیاسی و اجتماعی، غزل نیز رنگ و بوی اجتماعی به خود گرفت و شاعران ... در بخشی از غزل‌های خود ... به بیان مسائل اجتماعی پرداختند» (تاکی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۵). اگرچه بیشتر شاعران مورد پژوهش ديار گروس، بعد از انقلاب مشروطه زیسته‌اند، خوانش اشعارشان اولاً بیانگر کم‌توجهی آنان به مسائل سیاسی و اجتماعی منطقه گروس و ثانیاً بی‌توجهی به مسائل سیاسی و اجتماعی کردستان و ایران است.

## ۶- بحث و بررسی

بررسی زندگی پر فراز و نشیب انسان‌ها در طول تاریخ نشان می‌دهد که آدمی همواره بر محیط زندگی خود تأثیرگذار بوده و متقابلاً از آن تأثیر پذیرفته‌است. «طرفداران روش نقد اجتماعی کیفیت پاره‌بی عوامل را در ظهور آثار ادب و هنر مؤثر می‌دانند. تن این عوامل را عبارت از نژاد و محیط و زمان می‌دانند» (زرین‌کوب، ۱۳۷۶: ۷۶). از همین روست که انواع مکتب‌های نقد مثل نقد اجتماعی و نقد تاریخی به وجود آمده‌است. محیط شامل دو بخش طبیعی و جغرافیایی است. در این قسمت از پژوهش، بازتاب و انعکاس ویژگی‌های فرهنگی و جغرافیایی چون زبان کردی، محیط بومی، فرهنگ و باورهای مذهبی و پوشش در شعر شاعران گروس خوانش و تحلیل می‌شود.

## ۶-۱- زبان کردی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ادبیات بومی یا اقلیمی بازتاب زبان بومی یا محلی در آن است. همان‌طور که تحت عنوان «جغرافیای انسانی گروس» اشاره شد، زبان گفتگوی مردم منطقه گروس، کردی گروسی است. خوانش اشعار مورد بررسی حاکی از آن است که از سیزده شاعر تنها دو تن از آنان به زبان کردی شعر سروده‌اند و این دو شاعر نیز کردی گروسی را که لهجه غالب ساکنان گروس است به کار نبرده‌اند، بلکه اشعارشان به گویش گورانی است. البته کوشا متذکر شده است که در منطقه نفوذ زبان کردی دو گویش گروسی و سورانی دیده می‌شود. از ساکنان بومی گروس اکنون کسی توانایی سرودن شعر به گویش گورانی را ندارد و این دو شاعر - که در ادامه اشعارشان بررسی خواهد شد - واپسین شاعران ادب گورانی در آن منطقه هستند. یکی از این دو شاعر در واپسین سال سده سیزدهم هجری و دیگری پانزده سال بعد، از دنیا رفته‌است. نخستین نمونه‌های ادب گورانی به قرن هشتم مربوط است و در قرن سیزدهم هجری به اوج خود می‌رسد ادبیات گورانی به مدت پانصد سال در بخش وسیعی از کردستان از کرکوک تا حوالی همدان و از شمال لرستان تا اطراف سقز زبان مسلط ادب بوده‌است؛ به گونه‌ای که برای مدتی مدید نقش زبان معیار ادبی را بر عهده داشته‌است (سجادی و ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۴۳).

## ۶-۱-۱- نجف خان بایندر (۱۲۲۷ - ۱۳۰۰ ه.ق)

نجف خان، پسر قلی خان، از طایفه بایندری «یکی از شاعران نامی عرصه شعر و ادب کردی است که با شاعران مشهور کرد از قبیل میرزا شفیق خان قبادی و الماس خان کلهری، دوستی و رفاقت داشته‌است. از جمله مثنوی‌های او به زبان کردی خسرو و شیرین و شهنامه کردی است» (کوشا، ۱۳۷۸: ۳۰۷). به نظر می‌رسد که این دو مثنوی هنوز به چاپ نرسیده‌اند؛ زیرا جستجوی بنده برای دستیابی به نسخه چاپی یا الکترونیک این آثار در سایت‌های مختلف و کتابخانه‌های مجازی تلگرامی نتیجه‌ای دربرنداشت. در کتاب سیمای بیچارگروس، تعداد ابیات منقول از نجف خان - که همگی به زبان کردی است - ۲۳ بیت است که در اینجا ۶ بیت از آن نقل می‌شود. نمونه شعر نجف خان:

ئهو یه‌خه‌ی یووسف ژن که‌ردش پاره	ئادهم له به‌هه‌شت ژن که‌رد ئاواره
یووسف پیغه‌مبه‌ر که ئه‌ولیا بی	جه مه‌کر ژنان هه‌فت سال به چا بی
که‌ی‌خه‌سه‌رو پاشای رووی سه‌زمین بی	جه مه‌کر ژنان ئه‌و سه‌رنگون بی
بارام پادشای ساحب تاج و ته‌خت	جه مه‌کر ژنان نمه‌د که‌رد وه ره‌خت
مه‌جنون تفلج بی نه مه‌کته‌بخانه	جه مه‌کر ژنان شیت بی و دیوانه
من که هوشدار بیم، ژن بیه‌وشم که‌رد	هه‌لقه‌ی غولامی ژن وه گوشم که‌رد

(همان، ۳۰۸ - ۳۰۹)

این شعر از لحاظ فرم در قالب مثنوی سروده شده‌است. قالب مثنوی برای بیان داستان‌های بلند مناسب است. با توجه به موضوع (زن)، به نظر می‌رسد که این ابیات بخشی از مثنوی خسرو و شیرین نجف خان باشد. این ابیات و ابیات بعد از آن، دیدگاه شاعر را نسبت به زنان جامعه نشان می‌دهد. او در این شعر، زنان را به دو دسته (خدانشناس و خدانشناس) تقسیم می‌کند و به مردان هشدار می‌دهد که خود را از فریب گروه دوم در امان نگه دارند. لذا از لحاظ محتوا می‌توان آن را در زمره ادب تعلیمی قرار داد.

## ۶-۱-۲- جواد خان گروسی (۱۲۵۲ - ۱۳۱۵ ه.ق)

جواد خان گروسی، فرزند احمد خان، «اشعارش را به زبان کردی سروده و از شاعران اصیل کردزبان به حساب می‌آید که در قصیده‌سرایی، شاعری متبحر و نام‌آور بوده‌است» (همان، ۳۰۵ - ۳۰۶). تعداد ابیات منقول از او - که همگی به زبان کردی است - ۱۶ بیت است که در اینجا ۶ بیت آن نقل می‌شود. نمونه شعر جواد خان:

دیده پر ئه‌سیرین هونانوم ئیمشه‌و	وینه‌ی سه‌یادان جه کاوم ئیمشه‌و
جه پشت ره‌وار شه‌ودیزم ئیمشه‌و	ژارئالووده‌ی هون پهرویزم ئیمشه‌و
به وینه‌ی فه‌ره‌اد مسکینم ئیمشه‌و	ئاواری وه‌تن جه چینم ئیمشه‌و
یووسف نه وه‌رین جه چاهم ئیمشه‌و	په‌ری زلیخا نه ئاهم ئیمشه‌و
به‌ده‌ن نمه‌دیوش، به‌هرامم ئیمشه‌و	په‌ری گوله‌ندام دلزامم ئیمشه‌و
به وینه‌ی خه‌لیل جه نارم ئیمشه‌و	جه ده‌ست ئاهر بیزارم ئیمشه‌و

(همان، ۳۰۶)

به تصریح کوشا، جواد خان در قصیده‌سرایی نام‌آور است؛ ولی شعر بالا در قالب مثنوی سروده شده‌است و از نظر محتوا جزو ادبیات غنایی محسوب می‌شود؛ زیرا شاعر به بیان عواطف و احساسات شخصی خود پرداخته و برای ملموس‌تر جلوه دادن احساس خود به شخصیت‌های معروف قرآنی (یوسف، زلیخا و ابراهیم)، تاریخی و عاشقانه (خسروپرویز، فرهاد، بهرام و گلندام) که دچار رنج و غم فراق شده‌اند اشاره و خود را به آن‌ها تشبیه کرده‌است. در زمینه بازتاب زبان کردی در ادبیات منطقه گروس توجه به چند نکته شایسته است:

۱- اگرچه زبان مردم منطقه گروس به استثنای کرانی و روستاهای پیرامون آن، کردی گروسی یا سورانی است؛ ولی فقط ۶ درصد اشعار (۳۹ بیت) به زبان کردی سروده شده‌است. همچنین اگر بر مبنای تعداد شاعران درصدگیری کنیم، فقط ۱۵ درصد شاعران منطقه گروس زبان کردی را برای سرودن شعر برگزیده‌اند. این نکته زنگ خطری جدی برای نابودی زبان کردی به‌ویژه کردی گروسی در این منطقه به‌شمار می‌آید.

۲- تاریخ وفات نجف خان بایندر سال ۱۳۰۰ ه. ق. و تاریخ وفات جواد خان گروسی سال ۱۳۱۵ ه. ق. است و اکنون بیش از ۱۲۵ سال از آن تاریخ گذشته‌است. براساس کتاب *سیمای بیچار گروس*، در ۱۲۵ سال اخیر، شاعران این دیار رغبت چندانی به سرایش شعر به زبان کردی از خود نشان نداده‌اند و همگی به زبان فارسی شعر سروده‌اند.

۳- اشعار جواد خان و نجف خان هر دو به گورانی سروده شده‌است که در آن زمان، زبان معیار ادب کردی بوده‌است و اینک جز در میان گویشوران اورامی، به این گویش شعری سروده نمی‌شود و رسمیت خود را به عنوان زبان شعر و ادب کردی از دست داده‌است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که در منبع این پژوهش هیچ شعری به گویش رایج منطقه (کردی گروسی) ثبت نشده‌است. لذا بر گویشوران گروسی، به‌ویژه شاعران و نویسندگان واجب است که با سرودن اشعار زیبا و نگاشتن متون ادبی بدین گویش، آن را از دستبرد زمان حفظ نمایند.

۴- در میان شاعران دیار گروس سه تن لقب «خان» دارند: جواد خان گروسی، نجف خان گروسی و قیدار خان فاضل‌نیا، متخلص به فاضل (تولد ۱۳۰۳ ه. ش). از این سه نفر، دو نفر اول به زبان کردی شعر سروده‌اند. لذا می‌توان گفت توجه به زبان کردی و علاقه به هویت قومی و نژادی در میان شاعران خانزاده گروس بیشتر از سایر شاعران است.

نگاهی آسیب‌شناسانه به علل اصلی بی‌میلی شاعران دیار گروس نسبت به کاربرد زبان کردی، نشان می‌دهد:

الف) اصلی‌ترین علت فراهم نبودن فضای مناسب برای آموزش و یادگیری زبان کردی به صورت رسمی و آکادمیک در سراسر مناطق کردنشین ایران، به‌ویژه در منطقه بیچار گروس است. ریشه این علت هم بدین نکته برمی‌گردد که چه در گذشته و چه در زمان حال «زبان و ادبیات کردی در کردستان ایران متولی مشخصی نداشته و ندارد». قوه مجریه تاکنون به وظایف قانونی خود در اجرای مواد ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی عمل نکرده‌است. وزارت آموزش و پرورش، استانداری کردستان، سازمان تبلیغات اسلامی، صدا و سیما و سایر نهادهای متولی فرهنگ نیز، هیچ کدام به طور مشخص خود را در این زمینه مسئول و پاسخگو نمی‌دانند و اگر شاعر یا نویسنده‌ای بخواهد با تلاش و پشتکار خود (بدون برخورداری از آموزش‌های رسمی) در این راه گام بنهد، باید رنج فراوان بر خود نهد. از این رو تأسیس مرکز یا نهادی مثل فرهنگستان که حامی آموزش، توسعه و ترویج زبان کردی در تمام مناطق کردنشین ایران باشد ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا هریک از گویش‌های زبان کردی تعداد زیادی گویشور در ایران دارد.

ب) علت دیگر، نارسایی رسم الخط زبان کردی در ثبت و ضبط صورت ملفوظ واژگان بعضی از گویش‌های این زبان است. چون تا زمان انتشار کتاب *سیمای بیچار گروس* (۱۳۷۸)، تلفظ بعضی از حروف نوع کردی لهجه گروسی



قابل کتابت نبود و حرفی معادل آن وضع نشده بود. این گویش صرفاً جنبه گفتاری و محاوره‌ای داشت لذا نفوذ ادبی چندانی پیدا نکرد. به نظر می‌رسد این مشکل در سال‌های اخیر تا حدودی حل شده است. البته در بیست سال اخیر و حتی قبل از به بار نشستن این تلاش‌ها، تعدادی از دوستداران کردی گروسی اقدام به چاپ کتاب به این گویش نموده‌اند که از آن میان می‌توان به *واژه‌نامه فرهنگ گروس اثر جعفر سریش‌آبادی* و *رضا سهرابی*، مجموعه شعر *به‌رزنی نساوان اثر محمدحسن معمار* و مجموعه شعر *ده‌لاقی ده‌ریا اثر بهمن قره‌داغی* اشاره کرد. مجموعه اخیر نخستین مجموعه شعر به زبان کردی گروسی محسوب می‌شود که در سال ۱۳۸۳ به وسیله نشر ژیار در سنندج منتشر شده است. همچنین می‌توان به کتاب *سه‌چوپی ناگر له ریخه‌سیا* (۱۳۹۷)، اثر فوزیه بشارت، اشاره نمود که نخستین مجموعه داستان کوتاه به گروسی است.

## ۶-۲- فرهنگ و باورهای مذهبی

پیروان دو مذهب شیعه و سنی در منطقه گروس بدون اختلاف و ستیز، بلکه در کمال دوستی، زندگی مسالمت‌آمیز داشته و ازدواج متقابل نیز میان آنان مرسوم است. «دین مردم گروس اعم از کرد و ترک، اسلام براساس مذهب شیعه اثنی‌عشری است و تعدادی از روستاهای غربی بیجار (به طرف سنندج) و نیز شماری اندک از آنان که بعد از انقلاب اسلامی به عللی روستا را ترک نموده و ساکن بیجار شده‌اند، شافعی مذهبند» (همان، ۷۶). نگارنده در این بخش از پژوهش به بررسی بازتاب فرهنگ و باورهای مذهبی مردم منطقه گروس و آداب و رسوم آن‌ها در شعر شاعران می‌پردازد. در اشعار غالب شاعران این منطقه باورهای مذهبی بازتاب دارد. از جمله باورهایی که در اشعار این شاعران نمود پیدا کرده، میلاد حضرت محمد، میلاد حضرت علی (۱۳ رجب)، شهادت حضرت علی، میلاد حضرت حسن (۱۵ رمضان)، ستایش حضرت فاطمه، ستایش ائمه و عید نوروز است (ر.ک. همان: ۸۱ - ۸۳) که در ادامه چند نمونه بررسی می‌شود.

### ۶-۲-۱- عید نوروز

بازتاب اعیاد ملی در اشعار شاعران مشهور گروس بی‌فروغ است. از میان اعیاد ملی عید باستانی نوروز تنها در شعر یک شاعر نمود یافته است. محمد شریف ثانوی (۱۳۱۴ - ۱۳۹۸ ه.ق.) در یک رباعی فلسفه نوشدن سال و آمدن عید نوروز را خلاف آنچه عامه می‌پندارند، چنین تفسیر می‌کند:

خوشحال شوی که آید عید نوروز	عید آن نبود که تازه گردد شب و روز
می‌کوش که گردد گنهد روزی کم	آن روز بود بهر تو عید نوروز

(همان: ۳۱۷)

بررسی این شعر نشان می‌دهد تجلی عید نوروز در شعر ثانوی به خاطر ارزشمندی نوروز نیست، بلکه نوروز دستاویزی است برای آنکه شاعر به مخاطب خود اندرز دهد تا از گناه دوری گزیند.

### ۶-۲-۲- میلاد حضرت محمد (ص)

رضاعلی چراغ‌علی‌پور (۱۳۱۷ - ۱۳۸۳ ه.ش) «مجموعه اشعاری در مضامین و قالب‌های مختلف سروده و چند کتاب داستان را نیز تصنیف نموده که هیچ کدام به چاپ نرسیده است (همان، ۳۳۴). او مجموعه اشعاری در مضامین و قالب‌های مختلف سروده است. در نگاه او ملائک از دادن مژده تولد حضرت رسول اکرم به انسان‌ها، مسرور و مشعوف هستند. چراغ‌علی‌پور به مناسبت تولد پیامبر قطعه شعری در قالب شعر نو سروده است که یک بند از آن نقل می‌شود:

«امشب تمام روح و ملائک به خاکیان / این مژده می‌دهند ز اقصای آسمان: / کامشب وجود منجی عالم قدم  
نهد / از بطن آمنه به سراپردۀ جهان» (همان: ۳۳۸).

#### ۶-۲-۳- ستایش حضرت فاطمه (س)

شیخ علی‌اکبر کوماسیان، متخلص به «اکبر» (۱۳۲۸ - ۱۳۸۰ ه.ش)، یکی از شاعران نامدار دیار گروس به شمار می‌رود (همان، ۳۲۵). او در آبان ۱۳۲۸ ه.ش در روستای حسن تیمور واقع در دهستان پیرتاج به دنیا آمده و در غزل از سبک عراقی و شیوه حافظ تأثیر پذیرفته است. اکبر که در زمان انتشار کتاب سیمای بیچار گروس عهده‌دار وظایفی در سازمان عقیدتی-سیاسی نیروی انتظامی بود (ر.ک. همان، ۳۲۵ - ۳۲۶)، در ۳۰ تیرماه ۱۳۸۰ بر اثر تصادف درگذشت و مجموعه اشعار او با نام شمع گروس در سال ۱۳۹۳ به همت اداره کل تبلیغات اسلامی استان تدوین و چاپ شد. یکی از اشعار اکبر در ستایش حضرت فاطمه (س) است. اکبر در مطلع شعر خود به حدیث نبوی «فاطمه بضعه منی» اشاره کرده است (ر.ک. دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۸۵۶). مطلع شعر چنین است:

ای بضعه رسول، تو پاک و مطهری  
ام‌الائمه، دخت نبی، جان حیدری

(کوشا، ۱۳۷۸: ۳۳۱)

#### ۶-۲-۴- میلاد و شهادت حضرت علی (رض)

علی‌اصغر فریدونی، متخلص به «آرش» (تولد ۱۳۲۶ ه.ش)، از دیگر شاعران بیجاری است که در مدت تحصیل در همدان از راهنمایی‌های شاعر بلندپایه کرد، گلشن کردستانی، بهره‌ها برد و اشعاری پراکنده از او در مطبوعات کشور به چاپ رسیده است (همان، ۳۴۹). بیت زیر مطلع غزلی از او به مناسبت میلاد حضرت علی (رض) است:

امشب است آن شب که عاشق حالت مستانه دارد  
ماه پرنور ولایت چشمه رخشانه دارد

(همان: ۳۵۱)

نصرت‌الله بخشیان (تولد ۱۳۰۰ ه.ش) در رباعی زیر به ماجرای شهادت حضرت علی (رض) به دست ابن ملجم اشاره کرده است:

علی از خانه بر مسجد سفر کرد  
به معبد سوی معبودش نظر کرد  
بزد شمشیر، بن ملجم به فرکش  
شگفتا! کافری شق‌القمر کرد

(همان: ۳۴۸)

#### ۶-۲-۵- ستایش حضرت رضا (ع)

محمدشریف ثانوی (۱۳۱۴ - ۱۳۹۸ ه.ق) در ۲۴ سالگی بیچار را ترک کرد و راهی مشهد شد. او شصت سال از زندگی خود را در مشهد به شغل قنادی زندگی کرد و به سبب اقامت طولانی در مشهد از ارادتمندان حضرت رضا گردید. یک سال بعد از وفاتش (جمادی الاولی ۱۳۹۹ ه.ق) دیوان اشعار او با نام «اشعار گلزار رضوی» در مشهد (چاپخانه خراسان) منتشر شد (همان، ۳۰۹ - ۳۱۰). ثانوی در غزلی ۷ بیتی این گونه از ارادت خود به آن حضرت سخن می‌گوید:

فاش گویم که کیم دلبر و آرام دل است  
آنکه عیش دو جهانم ز وی آماده شده  
شاه طوس است که جاروبکش بارگهش  
تاجداران جهان از شه و شهزاده شده

(همان: ۳۱۱)

(برای مشاهده نمونه‌های بیشتر رجوع کنید به همان: ۳۱۴ و ۳۱۷).

## ۳-۶- پوشش

در میان آثار شاعران منطقه گروس، توجه اندکی به نحوه لباس پوشیدن و تنوع لباس زنان و مردان این منطقه یا انواع فرش و گستردنی دیده می‌شود. بی‌میلی نسبت به کاربرد زبان کردی در شعر، بی‌توجهی به اعیاد ملی و مذهبی (فطر و قربان) در کنار کم‌توجهی به پوشاک مردم منطقه، نگارنده را به این قضاوت وامی‌دارد که شاعران مشهور گروس نسبت به جامعه مبالغت‌چندانی ندارند. البته تا زمانی که به مجموعه آثار این شاعران به تمامی دسترسی فراهم نشود این داوری مبتنی بر حدس و گمان خواهد بود.

بانو زیور گروسی ملقب به «زیب‌النساء» از خان‌زادگان گروس است که در اواسط قرن دوازده هجری قمری می‌زیسته و «در غزل‌سرایی و هجو طبع‌غرایبی داشته» (مردوخ روحانی، ۱۳۹۰ ج ۱: ۲۳۴) و «بنا به نوشته محمود میرزا، مؤلف تذکره نقل مجلس اشعار بسیاری گفته، اما چون در روستا زندگی می‌کرده، همه آن‌ها از بین رفته‌است» (کوشا، ۱۳۷۸: ۲۹۸) و فقط سه بیت از آن باقی مانده‌است. او در یکی از این ابیات به عمامه زاهد و زنار<sup>۲</sup> اشاره کرده‌است. عمامه و زنار هیچ کدام پوشش خاص منطقه گروس نیست؛ ولی به علت سکونت پیروان ادیان مختلف الهی در کردستان، ممکن است زیور، زنار را از نزدیک دیده‌باشد.

حیف از عمامه زاهد که با صد پیچ و تاب      رشته تزویر گشت و تار زناری نگشت

(همان)

علی بلوری (۱۲۳۸-۱۳۴۷ ه. ش.) که از سروده‌هایش جز یک بیاض کوچک چیزی بر جای نمانده‌است (کوشا، ۱۳۷۸: ۳۰۵)، در مثنوی کوتاهی به اسم ساقی‌نامه بیتی دارد که پیراهن معشوق را از جنس گل می‌داند. این توصیف می‌تواند بیانگر بازتاب ظرافت و زیبایی لباس زنان و دختران منطقه گروس در شعر او باشد.

همی‌خواهم از فضل پروردگار      وصال همین مهوش گل‌عذار

که اسمش ردیف است با گل‌بدن      ظریفی که دارد ز گل‌پیرهن

(همان: ۳۰۵)

محمد رستم‌پور، متخلص به «خیر» (تولد ۱۳۰۶ ه. ش.)، یکی از شاعران دیار گروس است که جلد اول دیوان اشعار فارسی او با نام «پیغام عشق» در سال ۱۳۵۷ منتشر شده‌است (همان، ۳۱۸). او در بیت زیر، با ترکیب وصفی «تنِ پرزیور» استفاده از زیورآلات زنانه در میان زنان و دختران آن منطقه را به تصویر می‌کشد:

شمع نور فلکی، ماه منیری همه جا      چه شود تا که ببینم تن پرزیور تو

(همان: ۳۱۹)

از اشعار کوماسیان برمی‌آید که زنان منطقه گروس در حالت ناز و تبختر، کلاه خود را به صورت مایل و کج بر سر می‌نهادند:

<sup>۲</sup>. زنار به دو صورت وجود داشته‌است. شکل رشته‌ای آن متصل به صلیب بوده که مسیحیان به گردن خود می‌آویخته‌اند و شکل کمر بند آن در میان پیروان دین مسیح و زردشت کاربرد داشته‌است. زمین نصرانی ساکن در ممالک اسلامی مجبور بوده‌اند آن را به کمر بندند تا بدین وسیله از مسلمانان ممتاز گردند. زردشتیان نیز آن را به کمر می‌بسته‌اند (معین، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۷۴۸-۱۷۴۹).

بر سر نهاده دلبر ما کج کلاه را      تا بر فلک روانه کند دود آه را

(همان، ۳۲۸)

رضاعلی چراغ‌علی‌پور در شعر «کوچه فقر» به گرانبها بودن کفش ثروتمندان، بی‌کفشی فقرا و پاتابه<sup>۳</sup> سوراخ و پاره‌شده مردمان تهیدست اشاره دارد:

«شاید اغنیا را رهگذر، بر کوچه افتاده‌است و/ از سرمستی انبوه مال خویش می‌خندند/ نه .../ نه آنان [را] هیچ  
گه با تنگنای گردوخاک‌آلوده کاری نیست/ بدین محنت‌سرای سخت انسان‌ها گذاری نیست/ مبادا زیر کفش  
پربهاشان گرد بنشیند» (همان: ۳۴۱ - ۳۴۲).

او زندگی فقرا را بدین صورت، به تصویر می‌کشد:

«به پای مادران و بچه‌هاشان نیز کفشی نیست / برای بخیه پاتابه مردان درفشی نیست» (همان: ۳۴۳).  
بهمین قره‌داغی (تولد ۱۳۵۰ ه.ش) در غزلی با عنوان «آیینۀ دل»، هم به پوشش خانه‌ها و هم به پوشش  
انسان‌ها توجه نشان داده‌است:

به خویشتن نظر فکن، تو در زلالی دلم      سپس قدم بنه، گلم، به روی قالی دلم  
به خلوت خیال من نگو: «نمی‌نهم قدم»      بیا و تازه کن کمی هوای شالی دلم  
(همان، ۳۵۷)

قره‌داغی در مطلع این غزل به «قالی» اشاره و دل خود را بدان تشبیه کرده‌است. این تشبیه، تازه است و به نظر می‌رسد که از فرهنگ منطقه گروس نشئت گرفته‌است؛ چون وقتی یک شیء یا پدیده در زندگی ساکنان یک ناحیه نفوذ کند، بازتاب آن را در شعر و ادبیات نیز می‌توان دید. بنابراین اگر قره‌داغی دل خود را به قالی تشبیه می‌کند، بیانگر اهمیت و نفوذ این صنعت در زندگی شاعر و سایر مردمان این دیار است؛ زیرا در این دیار:

«از مهم‌ترین رشته‌های صنایع دستی، صنایع بافتنی است ... مهم‌ترین شاخه از صنایع بافتنی  
قالی، قالیچه و گلیم است. نوع مرغوب قالی و قالیچه بیجار، در ایران و کشورهای که خریدار  
فرش ایرانی هستند، شهرت خاصی دارد [...] قالی‌بافی و گلیم‌بافی گروس به عنوان دومین  
درآمد - بعد از تولید گندم - برای مردم این منطقه نقش حیاتی دارد. قالی بیجار دارای طرح  
گردی بوده و بیشتر به نقش افشار و بقیه با نقش‌های ماهی، شکارگاهی، ربعی، گل‌سرخ، گل  
فرنگ، دهن اژدر و دورنما بافته می‌شود. گلیم‌بافی نیز به عنوان مکمل صنعت فرش‌بافی معمولاً  
با طرح گردی و نقش‌های زیبا عرضه می‌گردد» (کوشا، ۱۳۷۸: ۶۶ - ۶۷).

نکته دیگر درباره این غزل، واژه «شالی» است که آرایه ایهام تناسب دارد: ۱- صفت نسبی از شال و به معانی:  
الف) نوعی پارچه ساده یا گلدار که از پشم یا کرک بافند (ب) بالاپوشی که از پارچه خشن سازند و کشاورزان  
پوشند (پ) پارچه‌ای دراز و کم‌عرض که دور کمر، سر یا گردن پیچند (ت) گلیم کوچک پشمین (ر.ک. معین  
۱۳۷۵، ج ۲: ۲۰۰۰)

<sup>۳</sup>. پاتابه: پاپیج، چیزی که پیاده‌روان به پا پیچند (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵۳۲۳).

۲- شالیزار که همان برنجزار است یا دانه برنج که در پوست باشد (شلتوک) (ر.ک. دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴۰۳۵). شالی در معنی دوم با هوا و تازه کردن آرایه تناسب می‌سازد؛ ولی به نظر می‌رسد به دلایل زیر، منظور شاعر از شالی معنی نخستین است: ۱- تهیه و تولید شال در سراسر منطقه گروس رایج است: «در سراسر منطقه ... پلاس مخصوص روی کرسی، طناب پشمی، جوراب و دستکش پشمی، شال، جاجیم و توری و شب‌کلاه نیز تهیه می‌شود» (کوشا، ۱۳۷۸: ۶۶). ۲- در مصراع اول غزل، «زلالی» از زلال + ی ساخته شده است. بنابراین بهتر است بگوییم در این مصراع نیز شالی از شال + ی نسبت ساخته شده است. ۳- براساس بررسی نگارنده از فرآورده‌های کشاورزی تمام روستاهایی که در کتاب سیمای بیچار گروس آمده‌اند، کشت برنج و وجود شالیزار در هیچ کدام از روستاها مشاهده نشد (همان: ۴۳۸ - ۶۳۶). کوشا می‌نویسد: «با توجه به شرایط آب و هوایی منطقه، کشاورزی در جهت گسترش کشت دیم توسعه یافته است و کشت آبی به زمین‌های مجاور رودخانه‌های دائمی محدود شده است چون رایج‌ترین و مهم‌ترین غذای روستاییان نان است، کشت غلات همه جا در درجه اول اهمیت قرار دارد و سپس جو که بیشتر به مصرف دام‌ها می‌رسد، رایج و معمول است» (همان: ۶۱ - ۶۲).

#### ۴-۶- محیط بومی

بازتاب جغرافیای منطقه گروس در آثار شاعران این دیار اندک است. در میان آثار محمدشریف ثانوی یک نامه منظوم وجود دارد که آن را از مشهد برای برادر و بستگان خود در زورآباد فرستاده است. در این نامه برخی ویژگی‌های جغرافیایی گروس بازتاب یافته است. ابیاتی از نامه ثانوی:

صبا، چون سوی زورآباد زورآور گذر آری	کلامی عرضه بنما خدمت یارانم از یاری
به صد شوق و شغف باری سلامم بازگو بنما	حضور انور سیف‌الله از مهر و وفاداری
یکایک اهل منزل را خصوصاً خدمت آقا	نما تقدیم تبلیغ سلامم از نکوکاری
به کردستانی و باب گرامش، هم براتی را	سلامم بازگو وین نامه را بنمای اظهاری
اگر مقدار کلّ خاک و سنگ و کوه زورآباد	به هر ساعت طلا و نقره مسکوک جمع آری
نمی‌ارزد که یک ساعت نشینی با چنان سختی	اگر شاهی کنی یا حکمرانی یا سپهداری
سلامی بازگو کن «ثانوی» بر دوستان یکسر	به کرد و شهری و یزدی و بربر، ترک و بیجاری

(همان: ۳۱۶ - ۳۱۷)

در این نامه از روستایی به اسم زورآباد سخن رفته است که در میان فهرست کنونی ۲۸۳ روستای منطقه وجود ندارد. اگر اسم این روستا بعد از ارسال نامه ثانوی - که تاریخ ارسال آن هم مشخص نیست و فقط می‌توان گفت که در یکی از سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۹۸ قمری که ثانوی در مشهد ساکن بوده، نوشته شده - تغییر نیافته باشد، می‌توان پذیرفت که این روستا به مرور زمان متروکه شده است. در نامه ثانوی از کوه زورآباد هم سخن رفته است. با وجود آنکه نام کوه‌ها و دره‌ها و رودها کمتر احتمال تغییر دارد؛ ولی در میان بیش از شصت کوه منطقه گروس نام این کوه نیز دیده نمی‌شود (ر.ک. همان: ۴۳ - ۴۵). شایان ذکر است در میان روستاهای کنونی منطقه فقط اسم یک روستا با زورآباد قرابت و نزدیکی دارد؛ روستایی به نام «زرین‌آباد» که در دهستان خسروآباد و در ۲۵ کیلومتری جنوب بیجار قرار دارد و اتفاقاً تپه‌ای نیز به همین نام در شمال آبادی موجود است (ر.ک. همان: ۵۴۵). شاید زورآباد، بعداً به زرین‌آباد تغییر یافته باشد.

در این نامه علاوه بر جغرافیای طبیعی منطقه، جغرافیای انسانی نیز بازتاب دارد؛ یعنی نویسنده به نام بعضی از اشخاص ساکن در زورآباد نیز اشاره کرده و از آنان به عنوان یاران خود یاد نموده و به آن‌ها سلام رسانده است. خوشبختانه سه نفر از این اشخاص در کتاب *سیمای بیچارگروس* معرفی شده‌اند و دو نفر دیگر نیز از روی قراین مشخص است: ۱- سیفالله: سیفالله ثانوی برادر محمدشریف ثانوی، شاعر و فرستنده نامه، است (ر.ک. همان، ۳۱۶)؛ ۲- کردستانی: منظور علی‌اشرف کردستانی است که برادرخانم شاعر بوده است (ر.ک. همان)؛ ۳- براتی: مقصود غلامعلی براتی است که از بستگان شاعر بوده است (ر.ک. همان)؛ ۴- آقا: از قراین موجود در نامه برمی‌آید که منظور شاعر از آقا، پدرش است؛ زیرا «یکایک اهل منزل را خصوصاً خدمت آقا» سلام می‌رساند؛ و ۵- باب: با توجه به عطف «باب گرام<sup>۴</sup>» به «کردستانی»، مسلم است که منظور شاعر، پدر علی‌اشرف کردستانی است که پدرزن شاعر بوده است.

خوانش این نامه، بیانگر عدم حضور زنان در جامعه است. زنان هیچ گونه نقشی در این نامه ندارند<sup>۵</sup>. شاعر نه تنها از طرف همسر خود به کسی سلام نمی‌رساند، بلکه به مادرزن خود هم سلام نمی‌فرستد و برای عمه، خاله و ... نیز ارزشی قائل نیست. او با عنوان کلی «اهل منزل» که از طبقه زنان فقط مادر و خواهر یا خواهرانش را دربرمی‌گیرد، از کنار مسئله می‌گذرد. این در حالی است که در مصراع آخر حتی برای دوستان یزدی و بربر نیز سلام می‌فرستد! بر این اساس، می‌توان چنین استنباط کرد که عدم حضور زنان در نامه منظوم «ثانوی» به آداب و رسوم کردها، به‌ویژه فرهنگ منطقه گروس بستگی دارد.

از دیگر شاعران متأثر از جغرافیای منطقه می‌توان از شیخ علی‌اکبر کوماسیان یاد کرد. اکبر در غزلی به توصیف معشوق خویش می‌پردازد. معشوقی که ظاهراً ساکن روستای محل زندگی شاعر (روستای حسن تیمور واقع در دهستان پیرتاج) هم نبوده است؛ زیرا بر اساس *سیمای بیچارگروس*، زبان ساکنان حسن تیمور کردی است (۱۳۷۸: ۵۲۱)؛ ولی شاعر، معشوق خود را روستایی زاده‌ای از نسل ترکان قلمداد می‌کند و در ابیات بعد با صفت‌هایی چون «ترک جفاجو» و «ترکتازی» دو بار دیگر بر ترک بودن معشوق تأکید می‌کند. بنابراین همان گونه که در

<sup>۴</sup> «گرام به معنای عزیز، که ظاهراً به قیاس کرام عربی ساخته شده است، غلط است و به جای آن باید گفت: گرامی» (نجفی، ۱۳۸۷: ۳۲۱).

<sup>۵</sup> نگاهی گذرا به وضع زن در ادوار مختلف تاریخ ایران بعد از اسلام بیانگر این واقعیت است که وضع زن در طول این ادوار دستخوش تحول بوده است. نویسنده مقاله «زن در تاریخ بیهقی» معتقد است: «در زمان تسلط ترکان، از این حیث، حالت دوگانه‌ای مشاهده می‌کنیم: اصولاً اقوام ترک، در سرزمین‌های اولیه خود و با آداب و رسوم بومی خویش به زن اهمیت زیادی می‌داده‌اند ... ولی از طرفی، زمانی که در حدود قرن دوم هجری، اسلام به آسیای مرکزی راه یافت ... و ایرانیان فرهنگ و تمدن خود را به این منطقه بردند ... از این زمان وضع زنان نیز تا حد بسیار زیادی تابع شرایط محیط جدید می‌گردد و این دسته، آزادی‌های سابق خود را از دست می‌دهند ... به طور کلی می‌توان گفت که دوره غزنویان دوره زن نبوده است» (بیانی، ۱۳۸۸: ۷۹ - ۸۰). همین نویسنده در اثر دیگرش با عنوان «زن در ایران عصر مغول» می‌نویسد: «از زمان سلجوقیان ... زنان از پس پرده‌ها به درآمدند و قدرت و مقامی را که در سرزمین‌های موطن خود داشتند، بازیافتند» (بیانی، ۱۳۹۷: ۱۴). همو عصر خوارزمشاهیان را دوره مهمی از حکومت زن بر ایران می‌داند (ر.ک. همان، ۲۱) و درباره دوره مغول می‌نویسد: «مغول سنت نفوذ و اهمیت زن و برعهده داشتن نقش فعال وی در جامعه را برای ملل تحت تابعیت خود به ارمغان آورد» (همان، ۱۴۸). کردهای ساکن ایران و به تبع زنان کرد نیز تحت تأثیر هژمونی حاکم بر زادگاه اولیه‌شان (ایران) قرار داشته‌اند. جایگاه و موقعیت زن در میان جوامع مختلف ملت کرد (کوچرو، روستایی و شهری) در طول تاریخ، از عوامل مختلفی چون: آیین‌ها و باورهای مذهبی، آداب و رسوم، فرهنگ و خرده فرهنگ‌های قومی و طایفه‌ای و محیط اجتماعی و سیاسی کردستان متأثر بوده است. جامعه کردی در تمام تاریخ شناخته شده خود تحت تسلط مردان بوده است، ولی در طول تاریخ کرد همواره نمونه‌هایی از زنان کرد یافت می‌شوند که توانستند موقعیت‌های بالایی از لحاظ اجتماعی، سیاسی، نظامی و حتی رهبری اجتماع را کسب کنند. این در حالی است که به سختی می‌توان در میان همسایگان کردها (ترک‌ها، فارس‌ها و عرب‌ها) نمونه‌های مشابه و قابل مقایسه یافت. نگاهی گذرا به فهرست اعلام جلد‌های سه‌گانه تاریخ مشاهیر کرد بیانگر وجود ۲۴ زن در طبقه «عرفا، علما، ادبا و شعرا» و ۱۵ زن دیگر در طبقه «امرا»ی کرد است. برخی از این زنان نامدار تا حد نمادهای ملی مطرح شده‌اند و این نشان‌دهنده برتری اخلاقی ملت کرد در میان همسایگان خود است. با این همه، جای بسی تأسف است که در تاریخ نخستین زن ایرانی تاریخ‌نگار، مستوره اردلان - که در سال ۱۲۶۲ ه. ق تاریخ‌الاکراد یا تاریخ اردلان را نوشت - زن جایگاهی ندارد و حوادث بر محور مردان گزارش می‌شود.

روستایی بودن معشوق شکی نیست، در ترک بودن او نیز تردیدی وجود ندارد. البته شاعر در بیت ماقبل آخر، معشوق خود را از «شهر و دیاری آشنا» می‌داند. در این صورت می‌توان گفت: اصالتاً زاده روستا و ساکن شهر بیجار بوده‌است. ابیاتی از غزل مورد نظر:

برده عقل از من پری‌رویی، نمی‌گویم که کیست  
روستایی‌زاده‌ای از نسل ترکان ختا  
با نگاهی، طرفه آهویی! نمی‌گویم که کیست  
ظالمی، ترک جفاجویی، نمی‌گویم که کیست  
بی‌وفایی، یار بدخویی، نمی‌گویم که کیست  
در مقام ترک‌تازی، یگه‌تازی بی‌بدیل  
می‌کشد ما را به هر سوئی، نمی‌گویم که کیست  
لیلی ما باشد از شهر و دیاری آشنا  
آنکه دارد حد دلجویی، نمی‌گویم که کیست  
«اکبر» صید کمان‌بروی یاری گشته‌ام

(همان: ۳۲۷)

سومین شاعر متأثر از جغرافیای منطقه، بهمن قره‌داغی، در مهر سال ۱۳۵۰ ه.ش در روستای چنگیزقلعه در پنج کیلومتری بیجار متولد شد. قره‌داغی بیشتر به قالب شعر نو گرایش دارد و مجموعه‌ای از اشعار او با نام «نسیم یاد تو» منتشر گردیده‌است (ر.ک. همان: ۳۵۳). او در یک قطعه شعر با عنوان «بیجار»، به توصیف این شهر پرداخته‌است. این شعر از سه بند تشکیل شده و شاعر در هر بند آن، به بعضی از ویژگی‌های جغرافیایی شهر بیجار مثل ارتفاع از سطح دریا، محصور بودن در میان کوه‌ها، سرمای زمستان، گردوخاک پاییز و ... اشاره کرده‌است. در ابتدا گزیده‌ای از شعر تقدیم می‌شود:

«الا ای بیجار من / ای شهر شیران، بام ایران / قشنگ خفته در دامن کوهم / چه سری هست در خاکت / که دور از دامن پاکت / دلم هر لحظه پیش توست / الا بیجار من / ای زادگاهم / انیس جان من، ای قبله‌گاهم / نمی‌دانم که در دامن کوه بادمستان<sup>۶</sup> / و با آن سرد سرمای زمستان / و با آن گرد و خاک وقت پاییزی / که صدها غم به دامن دلم ریزی / چه عشقی هست / که با جان و دلم / تو را در خویش می‌کارم / بنام قامت نقاره‌کوبت / ... تو را ای شهر شاعرپیشگان شوخ / تا تاریخ پابرجاست / تو را چون جان خود دانم / تو شهر فاضلی و فضل فاضل‌ها / غرور ماست / بسی من دوستت دارم» (همان: ۳۵۴ - ۳۵۶).

تحلیل ویژگی‌های جغرافیایی مورد اشاره در شعر قره‌داغی:

۱- بام ایران: شهر بیجار ۱۹۴۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد؛ یعنی ۴۲۵ متر از سنندج و ۷۷۰ متر از تهران بلندتر است. بنابراین بیجار یکی از مرتفع‌ترین شهرهای ایران است و به بام ایران لقب یافته‌است (ر.ک. همان: ۳۹).

۲- قشنگ خفته در دامن کوه: شهرستان بیجار قله مرتفعی دارد. درواقع، بیش از شصت کوه در منطقه گروس وجود دارد (ر.ک. همان: ۴۳ - ۴۵)؛ اما چهار کوه مشهور آن عبارتند از: نقاره‌کوب در شمال، زاغه در جنوب شرقی، بادامستان و حمزه عرب. این چهار کوه شهر بیجار را در دامن خود گرفته‌اند و زیبایی خاصی به این شهر داده‌اند (ر.ک. همان: ۴۳ - ۴۴).

<sup>۶</sup> در شعر قره‌داغی در کتاب سیمای بیجار گروس، بدین صورت ضبط شده‌است؛ ولی صورت صحیح آن بادامستان است.

۳- کوه بادامستان: بادامستان ۲۲۲۵ متر از سطح دریا ارتفاع دارد (ر.ک. همان: ۴۴). از نام این کوه چنین برمی‌آید که در دامنه‌اش، باغ بادام بوده‌است.<sup>۷</sup>

۴- کوه نقاره‌کوب: نقاره‌کوب ۲۲۰۵ متر از سطح دریا ارتفاع دارد (ر.ک. همان). بنابراین ارتفاع آن فقط ۲۰ متر از کوه بادامستان کمتر است.

۵- سرمای زمستان بیجار: در توصیف زمستان‌های بیجار آمده‌است:

«کوه‌های اطراف بیجار در زمستان کاملاً پوشیده از برف بوده و مدت زمان مدیدی پایدار می‌ماند و در نتیجه بازتاب حرارتی در زمستان‌ها شدت یافته و این امر کمک زیادی به استقرار توده‌های هوای سرد در این ناحیه می‌کند ... تعداد روزهای یخبندان بیجار به سه ماه و نیم و سرما به ۲۳ درجه سانتیگراد زیر صفر می‌رسد.» (همان: ۵۹ - ۶۰)

کتاب *جغرافیای استان کردستان* نیز «بیجار، قروه و دهگلان» را یکی از نواحی چهارگانه اقلیمی استان توصیف کرده‌است که آب و هوای آن تابستان‌ها معتدل و زمستان‌ها بسیار سرد است. در این کتاب تعداد روزهای یخبندان سالیانه در این اقلیم ۱۶۰ روز و حداقل دما ۳۴ درجه زیر صفر قید شده‌است (ر.ک. ایرانی و همکاران، ۱۳۸۲: ۹).

۶- گرد و خاک پاییزی: اگرچه در منبع اصلی این پژوهش به پدیده «گرد و خاک پاییزی» در منطقه بیجار گروس تصریح نشده‌است؛ ولی با عنایت به مطلب زیر و انواع بادهای معروف در منطقه گروس (باد شمال، باد بزرگش، باد گاواهن‌فروش و باد میه) می‌توان شدت این پدیده را در فصل پاییز در این منطقه استنباط کرد. کوشا می‌نویسد: «اختلاف ارتفاع دشت‌های مرکزی و حصار کوهستانی در تمام فصول سال باعث ایجاد اختلاف درجه حرارت در این منطقه شده و تقریباً به طور دائم جریان باد از کوهستان به سمت دشت‌های مرکزی است و به علت شکل خاص ناهمواری، این منطقه جولانگاه بادهای فصلی و محلی است» (کوشا، ۱۳۷۸: ۵۹ - ۶۰).

۷- شهر شاعرپیشگان شوخ: ترکیب شهر شاعرپیشگان دال بر آن است که بیجار شاعران متعددی داشته و دارد؛ چون علاوه بر سیزده شاعری که آثارشان در این پژوهش بررسی شده، به اسامی نه شاعر دیگر نیز در کتاب *سیمای بیجار گروس* تصریح شده‌است (ر.ک. همان، ۳۵۷) و جستجو در سایت‌های اینترنتی هم اسامی تعداد دیگری از شاعران گروس را به دست می‌دهد؛ ولی صفت «شوخ» به بررسی بیشتری نیاز دارد. این واژه در معنای امروزی خود می‌تواند حامل دو معنای متفاوت باشد: ۱- بی‌پروا، جسور، جلد و چالاک ۲- مزاح، هزل، بذله‌گو، حاضر جواب، شادمان و خوشحال و خرسند و خرم و شاد و زنده‌دل (ر.ک. دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴۵۴۴).

اگر مقصود شاعر از این واژه معنی نخستین باشد، درواقع تکرار مضمونی است که در ابتدای شعر آمده، آنجا که می‌سراید: «الا ای بیجار من / ای شهر شیران» و اگر چنین باشد، تازگی ندارد؛ ولی به نظر می‌رسد منظور قره‌داغی، معنای دوم؛ یعنی بذله‌گو باشد. طرز بیان شاعران در گزیده مورد بررسی غالباً جد است؛ ولی بعید نیست که در دیوان آن‌ها اشعاری که بیانگر بذله‌گویی و حاضر جوابی باشد، بتوان یافت. عجلتاً باید گفت در همین گزیده نیز شعر زیر سروده محمد رستم‌پور، چاشنی طنز تلخ و گزنده‌ای دارد:

<sup>۷</sup> شاید حالا هم باشد؛ اگرچه نگارنده درختان و پوشش گیاهی کوه مذکور را از نزدیک ندیده‌است.



گر که باشی به دامن کوهی	ارزش کوه بر تو پیدا نیست
عالم بافضیلت و آگاه	تا بود در میانه، والا نیست
آن زمان ارزشش شود معلوم	که چنان عالمی هویدا نیست
سطح فرهنگ چون که پایین است	به جز اینها ز کس تمنا نیست
دور شو «خیر» تو، از انظار	کز حسودان به غیر اینها نیست

(کوشا، ۱۳۷۸: ۳۲۱)

همو در شعری دیگر با بیانی طنزآلود می‌گوید:

پیریم و کمر ز دست داده      در جاده بی‌کسی فتاده

(همان: ۳۲۲)

۸. فاضل: منظور فاضل خان گروسی از نویسندگان برجسته دیار گروس در دوره قاجار است که علاوه بر نویسندگی، شعر هم می‌سرود و راوی تخلص می‌کرد. کتاب انجمن خاقان از اوست.

#### ۷- نتیجه

پژوهش حاضر با بررسی اشعار سیزده شاعر و ادیب مشهور منطقه گروس، موجبات شناخت بیشتر آنان را فراهم ساخت و به شرح و تحلیل دیدگاه‌هایشان پرداخت. از میان آثار شاعران، ۶۷ قطعه شعر کلاسیک به تعداد ۶۵۴ بیت و هفت قطعه شعر نو بررسی شد. بررسی قالب‌های شعر شاعران دیار گروس نشان می‌دهد که دو سوم اشعار آنان در قالب غزل سروده شده‌است. از آنجا که غزل برای بیان عواطف و احساسات شخصی شاعر به کار می‌رود و به مسائل اجتماعی نمی‌پردازد، می‌توان گفت که شاعران آن دیار دغدغه اجتماعی چندانی نداشته‌اند و نه تنها نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی ایران و کردستان، بلکه نسبت به مسائل یادشده در منطقه گروس هم کم‌توجه بوده‌اند. خوانش آثار شاعران گروسی نشان می‌دهد که تنها دو شاعر آن دیار به زبان کردی شعر سروده‌اند؛ ولی آن‌ها نیز به جای کردی گروسی (لهجه غالب ساکنان گروس) از گورانی استفاده کرده‌اند و از زمان وفات آخرین ادیب سبک گورانی در منطقه گروس بیش از ۱۲۵ سال گذشته است و در این مدت مدید شاعران آنجا رغبت چندانی به سرایش شعر به زبان کردی از خود نشان نداده‌اند. این مسئله هشدار جدی برای نابودی زبان و ادبیات کردی در منطقه گروس به شمار می‌آید. به نظر می‌رسد علت اصلی این بی‌میلی، ناآشنایی شاعران منطقه با رسم‌الخط و دستور زبان کردی و فراهم نبودن فضای مناسب برای آموزش و یادگیری زبان کردی به صورت رسمی و آکادمیک باشد. به عبارت دیگر زبان کردی در ایران متولی مشخصی ندارد. از این رو تأسیس مرکزی مثل فرهنگستان زبان کردی برای حمایت، توسعه و ترویج این زبان در تمام مناطق کردنشین ایران و اجرای مواد ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی ضروری است.

بررسی نحوه انعکاس فرهنگ و باورهای مذهبی در میان شاعران گروسی نشان می‌دهد که اعیاد ملی (نوروز) و مذهبی (فطر و قربان) در اشعار این شاعران جایگاهی ندارد؛ ولی توجه به میلاد پیامبر و حضرت علی و ستایش ائمه در اشعارشان جلوه‌گر است. در کنار بی‌میلی نسبت به کاربرد زبان کردی در شعر و بی‌توجهی به

اعیاد ملی و مذهبی می‌توان از کم‌توجهی به پوشاک مردم منطقه در آثار شاعران گروسی اشاره کرد. این موارد بیانگر بی‌مبالاتی آنان به مسائل اجتماعی است و شاید یکی از دلایل اصلی گمنامی آنان همین متعهدنبودن به مسائل جامعه باشد. نکتهٔ دیگر بازتاب اندک جغرافیای منطقه در شعر است. همچنین خوانش آثار یادشده نشان می‌دهد زنان جایگاه چندانی در آثار شاعران گروس - جز در مقام معشوق شاعر - ندارند. به نظر می‌رسد عدم حضور زنان یا حضور کم‌رنگ آنان به فرهنگ، آداب و رسوم و باورهای مذهبی منطقهٔ گروس برمی‌گردد.

## منابع

فارسی:

- ابومحبوب، احمد (۱۳۸۸). «نشست علمی نقد کتاب مکتب‌های داستان‌نویسی در ایران». کتاب ماه ادبیات. شماره ۱۴۳. صص. ۱۲-۲۵.
- ایرانی، جمال و همکاران (۱۳۸۲). *جغرافیای استان کردستان*. چاپ چهارم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- بهرام محمدیان، محی‌الدین و همکاران (۱۳۹۶). *راهنمای معلم فارسی (۲)*. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- بیانی، شیرین (۱۳۹۷). *زن در ایران عصر مغول*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- (۱۳۸۸). «زن در تاریخ بیهقی». *یادنامه ابوالفضل بیهقی: مجموعه سخنرانی‌های مجلس بزرگداشت بیهقی* ۲۵-۲۱ شهریور ۱۳۴۹. به کوشش محمدجعفر باحقی. صص. ۷۹-۹۴. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- تاکی، مسعود و همکاران (۱۳۸۹). *ادبیات فارسی (۱)*. چاپ چهاردهم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. چاپ دوم از دوره جدید. زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۶). *آشنایی با نقد ادبی*. چاپ چهارم. تهران: سخن.
- سپانلو، محمدعلی (۱۳۵۸). «گزارشی از داستان‌نویسی یکساله انقلاب». *آینده*. شماره ۶. صص ۲۳۸-۲۴۲.
- شایان، سیاوش و همکاران (۱۳۸۱). *جغرافیا ۱*. چاپ چهارم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- شیری، قهرمان (۱۳۸۲). «پیش‌درآمدی بر مکتب‌های داستان‌نویسی در ادبیات معاصر ایران». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*. شماره ۱۸۹. صص. ۱۴۷-۱۹۰.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۹۰). *احادیث و قصص مثنوی*. چاپ پنجم. ترجمه کامل و تنظیم مجدد از حسین داودی. تهران: امیرکبیر.
- کوشا، محمدعلی (۱۳۷۸). *سیمای بیجارگروس و مشاهیر آن با نگرشی به بخش‌ها و روستاها*. سنج: انتشارات دانشگاه کردستان.
- مردوخ‌روحانی، بابا (۱۳۹۰). *تاریخ مشاهیر کرد (جلد اول و سوم)*. به کوشش محمدماجد مردوخ‌روحانی. چاپ سوم. تهران: سروش.
- معین، محمد (۱۳۷۵). *فرهنگ فارسی*. چاپ نهم. جلد دوم. تهران: امیرکبیر.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷). *غلط‌نویسیم (فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی)*. چاپ چهاردهم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

کردی:

سه‌جادی، به‌ختیار و ئیبراهیمی، مه‌زه‌هر (۱۳۹۸). *زمان و ویژگی کوردی*. چاپی سی‌هفتم. سه‌قز: ناوهندی بلاوکرده‌وی گوتار.